

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

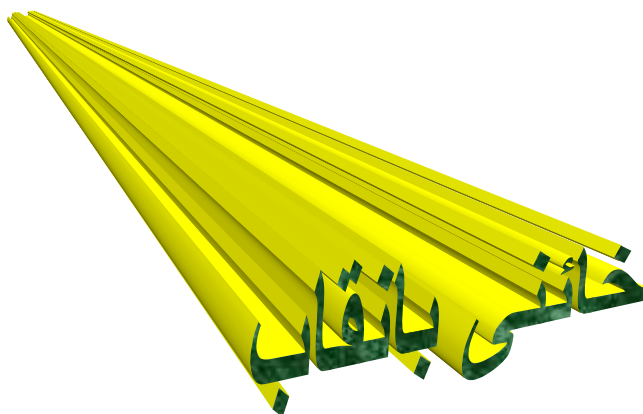
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان



کرزیا ! کار ناصواب مکن
آب ، بر تشنگان ، سراب مکن
نظری بر یتیم و بیوه زنان
چشم بینای خود به خواب مکن
فقر بیداد میکند به وطن
بر رُخ خائنان نقاب مکن
مستی با خون پاک هموطنان
ساغر و باده و شراب مکن
رنگ ، بر جان ما مزن کرزی
دل ما را ز غم کباب مکن
میهن از مکر تست ، ویرانه
بس کن و بیش ازین خراب مکن
هر چراغی که میشود روشن
دزدی تیل و ، عوض آب مکن
بهر ایجاد وحدت ملی
طالبان را دگر حساب مکن
همه را مسترد ، به دوزخ کن

تَكِيَه بر دار و بر طناب مكن
سيبِ تقديرِ فتنه و تزوير
نوشِ جان از تنِ شواب مكن
خواهشی هم ز صبغتِ ملعون
استخاره به منجلاب مكن
بی وضو استخاره بر عكس است
غسلِ بیهوده ، با رضاب مكن
طالبان ، زاده شیاطین اند
پاره از هموطن ، قطاب مكن
گلبدینی و ، گلبدین ها را
تبعهٔ ملكِ ما خطاب مكن
وای ، زین نوكرانِ پاکستان
توبهٔ مكرِ شان مُجاب مكن
جمعی از پیروانِ فاسق را
یاد ، استاد ، با نساب مكن
بهرِ القابِ مفت و خیراتی
ریش را رنگ جز خضاب مكن
زادهٔ واصلانِ بی سر و پا
سرخمان را ملای تاب مكن
فاصلان در لباسِ واصلِ دین
به رخِ فاسدانِ حجاب مكن
راهِ مولا اگر همی خواهی
ناخلف را ، پس انتخاب مكن
لاش خورانِ ماشِ پایان را
بیش ازین سرخم و عذاب مكن
كرزیا ! دستِ ما بدامانت
وطنِ ما ، پُر از كلاب مكن
نوجوانان تازه دم ، و ، نفس
روی كار آور و عتاب مكن
تا كه با خونِ تازه ، روحِ جدید
بدَم و ، فرقِ شیخ و شاب مكن
خائن را همه ز خویش بران
چرس و تریاكِ شان زراب مكن
نقدِ «نعمت» روان ، با سُر و لَی
میلِ چنگ و نی و رباب مكن

(۱۶ \ ۰۷ \ ۲۰۱۰)